

جایگاه حقوق بشردوستانه از منظر امام خمینی(ره) در دوران دفاع مقدس

حسن رحیمی (روشن)^۱

چکیده

امروزه حقوق بین‌الملل شاخه‌ای خاص را به‌عنوان حقوق بشردوستانه ایجاد نموده است که هدف از آن حمایت از افراد غیرنظامی اسرا و حتی احترام به اجساد کشته شدگان در زمان بروز جنگ‌های داخلی و بین‌المللی است. از جمله اصول اساسی نظام حقوق بشردوستانه می‌توان به اصل رفتار انسانی و عدم تبعیض، اصل تفکیک، اصل محدودیت و مواردی دیگر اشاره کرد که باید در حین جنگ، مورد احترام طرفین مخاصمه قرار بگیرد. انقلاب اسلامی ایران با فاصله اندکی پس از پیروزی با جنگ هشت ساله عراق علیه ایران مواجه شد. از این رو سؤال این مقاله این است که حقوق بشر دوستانه در اندیشه امام خمینی(ره) به‌عنوان ایدئولوگ و فرمانده و معمار نظام سیاسی- اجتماعی پس از انقلاب، که جنگ طولانی ۸ ساله را فرماندهی کرده است چه جایگاهی دارد؟ گمان بر این است که حقوق بشردوستانه- منبعث از اسلام- جایگاهی والا در اندیشه امام(ره) دارد و ایشان در طول حیات سیاسی خود به شدت به اصول حقوق بشر دوستانه و به خصوص در دوران جنگ هشت ساله تأکید داشته است. روش پژوهش این نوشتار، توصیفی- مقایسه‌ای است که از طریق بررسی اسناد و مدارک به‌صورت کتابخانه‌ای انجام می‌گیرد. مهمترین یافته مقاله این است که حقوق بشردوستانه در اندیشه رهبری انقلاب اسلامی به‌صورت مستقل از حقوق بشر دوستانه غربی، وجود داشته و به صورت عملی در هشت سال دفاع مقدس به کار گرفته شده است.

کلید واژه‌ها: حقوق بشردوستانه، جنگ تحمیلی، امام خمینی(ره)، حقوق بشر.

مقدمه

مقررات حقوق بشردوستانه ریشه در تاریخ دارد، زیرا از ابتدای حیات جوامع بشری تاکنون همواره جنگ بین انسان‌ها وجود داشته و این جنگ‌ها، همیشه تابع نوعی مقررات بوده‌اند؛ که دولت‌ها طی قرن‌ها، آنها را مورد توجه قرار داده و رعایت یا نقض کرده‌اند. آن‌گونه که یافته‌ها و تحقیقات تاریخی نشان می‌دهند، تفکر و رفتار انسان دوستانه در تمدن‌های قدیمی و قبایل بدوی نیز موجود بوده است. برای نمونه، در میان سومریان نهاد سازمان یافته‌ای وجود داشته است که در آن قواعدی مانند اعلام جنگ، حکمیت، مصونیت سفیران و قرارداد صلح رعایت می‌شده است (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۲۴). از قرن هفدهم و با ظهور «گروسیوس»^۱ حقوقدان هلندی و ارائه نظریات جدید در مورد حقوق بین‌الملل، حقوق بشردوستانه وارد مرحله نوینی شد. از طرفی، نظر نویسندگان دوران پس از رنسانس در اروپا، چون جان لاک و ژان ژاک روسو در فراهم آوردن زمینه برای ظهور حقوق بین بشردوستانه نوین مؤثر بوده است. نخستین قانون بشردوستانه مدون و منظمی که از سوی یک دولت برای نیروهای مسلح تدوین شد، مجموعه قوانین لیبر^۲ بود. در سال ۱۸۶۱ فرانسیس لیبر، استاد آلمانی - آمریکایی علوم سیاسی و حقوق دانشگاه کلمبیا، از طرف آبراهام لینکن^۳ رییس جمهور آمریکا نظامنامه‌ای بر مبنای حقوق بین‌الملل (کد لیبر) تنظیم کرد که برای نخستین بار در سال ۱۸۶۳ به اجرا گذاشته شد و در جنگ داخلی برای نیروی زمینی ایالات متحده (۱۸۶۱-۱۸۶۵) لازم الاجرا بود و از آن به بعد به تدریج معاهدات دو یا چند جانبه‌ای در حوزه حقوق بشردوستانه میان دولت‌ها منعقد گردید (عزیزی، ۱۳۹۲: ۸۶). در واقع در این زمان لزوم تدوین و رعایت مقررات این شاخه از حقوق مورد توجه دولت‌ها و محافل انسان دوستانه قرار گرفت و در قرن بیستم، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، توسعه یافت و رسماً از سال ۱۹۷۰ مورد استقبال واقع گردید. حقوق بشردوستانه - که در واقع حقوق زمان جنگ است - به دو دسته تقسیم می‌شود «الف» قواعدی که به انجام بالفعل عملیات جنگی مربوط می‌شوند (حقوق جنگ) که در مجموع ابزار و روش‌های جنگیدن را تنظیم می‌کند و «ب» قواعدی که حداقل حمایت را برای افراد مقرر می‌دارد (حقوق بشردوستانه) که از طبقات معینی از قربانیان جنگ همچون غیرنظامیان، اسرای جنگی، فراریان و زخمیان، حمایت می‌کند. مورد «الف» اصولاً، در کنوانسیون‌های (۱۸۹۹) و (۱۹۰۷) یافت می‌شود (حقوق ژنو) و حال آنکه مورد «ب» در چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و دو پروتکل الحاقی سال ۱۹۷۷ منظور شده‌اند (حقوق لاهه) (عزیزی، ۱۳۹۲: ۸۷) رسمیت یافته و امروزه جزو مقررات و معاهدات بین‌المللی الزام‌آور برای همه دولت‌ها می‌باشد. حقوق بین‌الملل، برای حقوق بشردوستانه در زمان جنگ اهمیت بسیاری قائل شده و عنوان نموده است که کشورها باید حقوق بشردوستانه را، چه در زمان بروز جنگ‌های داخلی و چه بین‌المللی

1. Hugo Grotius

۲. فرانسیس لیبر، یک حقوقدان، فیلسوف سیاسی و دانشمند سیاسی آمریکایی آلمانی الاصل بود. لیبر یکی از مهمترین حقوقدانان زمان خود بود، او تلاش‌های فراوانی در راه توسعه‌ی حقوق بین‌الملل، خصوصاً در احترام به انسانیت در قانون جنگ داشت.

3. Abraham Lincoln

رعایت کرده و اجرا کنند. رعایت این قواعد و توجه به آنها، از آنرو، ضروری است که پیدایش وضعیت جنگی، خود، برهم زنده بسیاری از قوانین و مقررات است. به عبارت دیگر، حقوق بشر دوستانه، یک حقوق اضطراری قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه است؛ که کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی ژنو ۱۹۷۷ مهم‌ترین منابع آن را تشکیل می‌دهند. این حقوق، در واقع، پلی بین دکترین حقوق بشر و قواعد حقوق بین‌الملل قابل اجرا، در مخاصمات مسلحانه ایجاد کرده است. لاقلاً به‌طور مسلم از زمانی که دیوان بین‌المللی دادگستری حقوق بشر دوستانه را نسبت به حقوق بشر حقوق خاص قلمداد کرد، این دیدگاه که «حقوق بشر در مخاصمه مسلحانه» به حقوق بشردوستانه اشاره دارد در حدی وسیع مقبول واقع شده است (البرزی ورکی، ۱۳۸۹: ۲۲). حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، در سه سطح اجرا می‌شود، یعنی از طریق انجام یک عمل فردی در طول یک منازعه مسلحانه و از سوی جامعه، در برابر کسی که اقدام می‌کند. و سرانجام از رهگذر تلاش‌های جامعه بین‌المللی (دوسوالد، ۱۳۷۹: ۸۸). حقوق بشردوستانه نسبت به حقوق بین‌الملل و حقوق بشر فاعده‌ای خاص و جزئی می‌باشد که در زیر قواعد حقوق بشر، قرار می‌گیرد و عمدتاً، در زمان جنگ کاربرد دارد. در این عرصه نظام حقوقی اسلام نیز مستقل از تحولات این چنینی در جهان و پیش از سایر نظام‌های حقوقی جهان، قواعد حقوق بشردوستانه را به جوامع بشری در راستای حرمت و پاسداشت انسان و انسانیت عرضه نموده است. بسیاری از این اصول پیش از اینکه در قرون اخیر مورد پذیرش قرار گیرند، مورد تأکید اسلام و پیشوایان دین بوده است. اما برای نخستین بار تدوین قواعد و مقررات جنگ در مذهب حنفی و با نوشته‌های محمدحسن شیبانی؛ که برخی از اندیشمندان اروپائی از او به‌عنوان گروسیوس اسلام نام برده‌اند انجام شد (البرزی ورکی، ۱۳۸۹: ۲۳). بنابراین ایده‌های بشر دوستانه در آثار حقوقدانان مسلمانی چون اوزاعی، شیبانی و بعدها ماوردی بیان شده‌اند (البرزی، همان، به‌نقل از محقق داماد، ۱۳۸۳: ۲۵). کتب آسمانی از جمله قرآن هم در بردارنده قواعدی در مورد جنگ‌ها هستند. در قرآن مجید به کرات به رعایت اصول انسانی در هدایت و اداره جنگ‌ها تأکید شده است. قرآن می‌فرماید «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره/۹۰) اسلام اجرای حقوق بشردوستانه را از مقتضیات و ضروریات دانسته است (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۲۵). به نظر می‌رسد که امروزه جمهوری اسلامی ایران و رهبری انقلاب اسلامی به تأسی از اسلام به حقوق بشر دوستانه بی‌توجه نباشد. از این رو، در رابطه با موضوع حقوق بشردوستانه در اندیشه امام خمینی(ره) شایسته است نگاهی واقع‌گرایانه به این حوزه صورت گیرد؛ سؤال این مقاله این است که حقوق بشر دوستانه در اندیشه امام خمینی(ره) چه جایگاهی دارد؟ گمان براین است که حقوق بشردوستانه -منبعث از اسلام- جایگاهی مهم در اندیشه امام(ره) دارد؛ ایشان در طول حیات سیاسی خود به شدت به اصول حقوق بشردوستانه - و به‌خصوص در دوران جنگ هشت ساله- تأکید داشته است. روش پژوهش این نوشتار، توصیفی - مقایسه‌ای است که از طریق بررسی اسناد و مدارک بصورت کتابخانه‌ای

انجام می‌گیرد. مطالب این مقاله از دو بخش تشکیل شده که در بخش اول حقوق بین‌الملل، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و مفاهیم و کلیات آن در عرصه حقوق بین‌الملل بررسی می‌شود و در بخش دوم اصول اساسی این حقوق بانظرات و دیدگاه‌های امام در این باره مطابقت داده می‌شود.

مفهوم حقوق بین‌الملل^۱

حقوق بین‌الملل عمومی شاخه‌ای از حقوق عمومی است که نه تنها حاکم بر روابط دولت‌ها می‌باشد بلکه پایه و اساس روابط ملت‌ها با یکدیگر را تعیین می‌کند. حقوق بین‌الملل مجموعه اصول و قواعدی است که دولت‌ها، یعنی اعضای اصلی جامعه بین‌الملل، خود را ملزم به رعایت آنها می‌دانند و در روابط با یکدیگر اجرا می‌کنند. علاوه بر این، حقوق بین‌الملل شامل قواعدی است که طرز تشکیل و وظایف سازمان‌های بین‌المللی و روابط این سازمان‌ها را با یکدیگر و با دولت‌ها و هم چنین در بعضی موارد حقوق و تکالیف افراد را تعیین می‌کند (صفدری، ۱۳۴۲: ۱۳-۱۵). قواعد حقوق بین‌الملل در سه حوزه گسترده شده است. اول قواعدی که دولت‌ها در روابط خود ملزم به اجرای آن هستند؛ دوم قواعد مربوط به تأسیس و وظایف سازمان‌های بین‌المللی، و سوم قواعدی که به موجب آنها حقوق و تکالیف بین‌المللی برای افراد ایجاد می‌شود (موسی زاده، ۱۳۸۵: ۷). در حال حاضر، حقوق بین‌الملل به یک حوزه انحصاری از امور داخلی نفوذ کرده است تا روابط بین حکومت‌ها و شهروندانشان را، به ویژه از طریق ارکان در حال رشد حقوق بشری و حقوق بین‌الملل کیفری، تنظیم نماید. اما حتی در این نمونه‌ها، حقوق بین‌الملل تمایز صریحی بین موضوعات سیاسی درون حکومتی و بین‌الدول قائل شده است (اسلوتر و وایت، ۱۳۸۵: ۸۲۳). مباحث زیادی بین حقوقدانان مبنی بر برتری حقوق داخلی یا برتری حقوق بین‌الملل وجود داشته است اما نظریه متأخر و معاصر بر تساوی نظام حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل تأکید دارد (موسی زاده، ۱۳۸۵: ۲۴). بنابراین تساوی حقوق داخلی و بین‌المللی از لحاظ اعتبار و ارزش منجر به این شده است که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الملل و افراد تابعین حقوق بین‌الملل می‌باشند (موسی زاده، ۱۳۸۵: ۳۴). به عبارت بهتر، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و افراد، هر سه، موضوع حقوق بین‌الملل‌اند و تحت قواعد آن قرار می‌گیرند. افراد یا «نوع بشر» به دو شکل مورد حمایت حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرند یکی از طریق قواعد عام حقوق بشر و دیگری از طریق حقوق بشر دوستانه به خصوص در زمان جنگ. بنابراین با توجه به اینکه افراد (نوع انسان) موضوع حقوق بین‌الملل است، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه - به‌عنوان زیر شاخه‌های حقوق بین‌الملل و در طول همدیگر شکل گرفته‌اند. که در ذیل به مختصری درباره آنها می‌پردازیم.

مفهوم حقوق بشر^۱

حقوق بین‌الملل معاصر تحت عنوان «حقوق بشر» از حقوق افراد حمایت می‌کند (موسی زاده، ۱۳۸۵: ۸۵). بسیاری از اندیشمندان اذعان نموده‌اند که به دلیل تمایزات تاریخی، تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی، تنش‌های سیاسی غیرهمگون و بنیان‌های فلسفی نامتقارن، نمی‌توان تعریف جامع و کاملی از «حقوق بشر» ارائه داد. اما اغلب حقوق بشر را، آزادی‌ها، مصونیت‌ها و منافع می‌دانند که از طریق ارزش‌های پذیرفته شده تمام انسان‌ها باید قادر به ادعای آن به‌عنوان یک حق، در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند باشند. این حقوق برای هرفرد، بنیادین یا طبیعی به حساب می‌آیند. همه افراد از جهت انسانیت دارای حد اقل حقوقی هستند که ربطی به حیثیت و تابعیت یا مذهب یا نژاد یا رنگ یا جنس آنها ندارد (لنگرودی، ۱۳۷۶: ۱۳۲). بنابراین حقوق بشر مجموعه‌ای از ارزش‌ها، مفاهیم، اسناد حقوقی بین‌المللی و سازوکارهایی است که در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها از مقام، منزلت و کرامت انسانی همه‌ی افراد و یا گروه‌ها صرفاً به‌دلیل، اینکه انسانند در مقابل همه‌ی دولت‌ها حمایت می‌کند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۲: ۸۱). حقوق بشر اصولاً مجموعه قواعدی است که در زمان صلح بر روابط فرد و دولت حاکم می‌باشد و وی را از رفتارهای خودسرانه و غیرقانونی حکومت و گروه حاکم بر کشور حمایت می‌نماید. این حقوق دارای سه نسل یعنی حقوق مدنی و سیاسی (نسل اول)، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (نسل دوم) و حقوق همبستگی (نسل سوم) می‌باشد. در گذشته، حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌صورت مجزا شکل گرفته و توسعه یافتند، حقوق بشر را حقوق زمان صلح و حقوق بین‌الملل بشردوستانه را حقوق زمان جنگ قلمداد می‌کنند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۲: ۸۱). ارکان سازمان ملل متحد، بنیان اصلی جنبش حقوق بشر بوده‌اند و این ارکان تا مدتی طولانی، علاقه چندانی به توسعه قواعد درگیری‌های مسلحانه نداشته‌اند. دلیل عمده این امر، اصرار ملل متحد بر بند ۴ ماده ۲ منشور، یعنی «منع توسل به زور بوده» که به نظر می‌رسد با رعایت آن دیگر مسأله توسعه حقوق درگیری‌های مسلحانه منتفی است. اما از آنجایی که جنگ خواه ناخواه وجود داشته، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با توجه خاص به مسأله درگیری‌های مسلحانه، چشم پوشی سازمان ملل متحد در این خصوص را جبران نمود و با تشکیل کنفرانس‌های متعدد و ترغیب دولت‌ها به انعقاد معاهدات ناظر بر درگیری‌ها به توسعه و روزآمد کردن حقوق بین‌الملل درگیری‌های مسلحانه اهتمام ورزید. دولت‌ها که از فجایع جنگ جهانی سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۳۹ مطلع بودند و از سوی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تحت فشار قرار داشتند، سرانجام چهار معاهده ژنو «۱۹۴۹» را به تصویب رساندند که محصول این تلاش، شکل‌گیری حقوق بشر دوستانه است. حقوق بین‌الملل بشردوستانه معاصر، عموماً تنها بر حقوق درگیری‌های مسلحانه متمرکز بوده و خود به دو عرصه اصلی تقسیم می‌شود: قوانین حاکم بر انجام مخاصمات در طول درگیری‌های مسلحانه؛ و قوانین ناظر بر حمایت از قربانیان این مخاصمات (ارادت، ۱۳۸۳: ۶۴). البته شباهت‌هایی در هدف‌های حقوق بشردوستانه

بین‌المللی و قواعد حقوق بشر بین‌المللی وجود دارد. از جمله موارد شباهت دو حقوق می‌توان به مواردی چون، حق حیات، منع بردگی، منع شکنجه و تضمین‌های قضایی، اشاره کرد. در هیچ یک از اسناد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه تلافی و همگرایی این دو شاخه حقوق بین‌الملل و اعمال متقابل آنها منع نگردیده است و از واگرایی آنها یاد نشده است. اما در هر حال، نباید حقوق بشردوستانه بین‌المللی با حقوق بشر بین‌المللی در هم آمیخته شود (ارادت، ۱۳۸۳: ۵۳). حقوق بشر، مجموعه قواعدی را در بر می‌گیرد که هدف آن، بهبود وضعیت فرد در جامعه است؛ ولی هدف اصلی هر دو (در هر شرایط) حمایت و پاسداری از کرامت (راعی، ۱۳۷۹: ۱۶۵) انسانی است. اما در هر صورت حقوق بشر دوستانه در ذیل حقوق بشر و اخص‌تر از آن می‌باشد.

مفهوم حقوق بشردوستانه

در جامعه انسانی از جنگ‌گریزی نیست و از طرفی برخلاف آنچه که برخی از صاحب‌نظران مسائل سیاسی و حقوقی بر آن اعتقاد دارند، جنگ نه تنها موجب اختتام و یا پایان قواعد و مقررات بین‌المللی نمی‌شود بلکه در پاره‌ای از موارد موجب قوانین و مقررات جدید نیز می‌شود که هدف آنها به نظم کشیدن و یا قانونمند کردن رفتار متخاصمان و انسانی کردن جنگ می‌باشد. حقوق جنگ و یا حقوق بشردوستانه و تلاش‌های منجر به انعقاد و یا وضع چنین قوانینی، معمولاً پس از وقوع جنگ‌های مخرب و خانمان سوز که موجب کشتار بی‌رحمانه مردم و تخریب اموال و دارایی‌های آنها شده، صورت می‌گیرد (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۲۴). حقوق بشردوستانه نیز همچون حقوق بشر، ریشه در حقوق طبیعی دارد، حقوق بشردوستانه، بنا به تعریف، مجموعه اصول و قواعدی است که در زمان درگیری مسلحانه بر رفتار طرف‌های درگیر در آن مخاصمه و همچنین دولت‌های بی‌طرف حاکم است که هدف آن اصولاً انسانی ساختن منازعه و تحدید آثار زیان‌بار آن می‌باشد (ارادت، ۱۳۸۳: ۵۰). در تعریفی دیگر گفته شده که حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به آن بخش از حقوق بین‌الملل عمومی اطلاق می‌شود که بر کاربرد نیروی مسلح و رفتار با افراد در جریان درگیری مسلحانه حاکم شده است (شریفی طرازکوهی، ۱۳۷۵: ۷۹-۷۸). پیدایی اصطلاح «حقوق بشردوستانه» نیز به نحوی ارتباط این شاخه از حقوق بین‌الملل با حقوق بشر را نمایان می‌سازد؛ گرچه قواعد دو شاخه مذکور به طور مستقل توسعه یافته‌اند. حقوق بشردوستانه، اصول و قواعدی است که استفاده از خشونت را در زمان منازعات مسلحانه محدود می‌کند و هدف آن، عبارت است از: حمایت از افرادی که مستقیماً درگیر جنگ نیستند یعنی بیماران، زخمی‌ها، کشتی شکسته‌ها، اسیران، افراد غیر نظامی و محدود کردن آثار خشونت در جنگ برای دستیابی به اهداف جنگ، پرهیز از انتقام جویی، آزار و اذیتی که تأثیری در اهداف جنگ ندارند^۱ (راعی، ۱۳۷۹: ۱۵۷). تعریف دیگر می‌گوید «حقوق بشردوستانه، شاخه‌ای از حقوق بشر است که در منازعات مسلحانه بین‌المللی و در برخی اوضاع و احوال معین و

۱. برای آگاهی بیشتر رک: حسین مهرپور، نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۳، ص ۲۴۶

محدود در منازعات مسلحانه داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرد (سلیمی، ۱۳۸۲: ۳۱۷). بنابراین تعریف، حقوق بشر دوستانه علاوه بر منازعات بین دولت‌ها، منازعات داخلی یک کشور را نیز برای گروه‌های درگیر (دولت و معارضان یا معارضان با همدیگر) را شامل می‌شود.

۱- حقوق بشر دوستانه داخلی

همان‌گونه که اشاره شد حقوق بشر دوستانه در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی^۱ و نیز درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی^۲ قابل اجراست. این حقوق بر تمام طرف‌های درگیر و بدون توجه به اینکه چه کسی آغازگر درگیری است، اعمال می‌شود. و به‌عنوان حقوق حمایتی؛ حمایت از افراد نظامی و غیرنظامی و کرامت آنها در زمان مخاصمات مسلحانه، مبنای عمل خود می‌داند. از این رو پیوندی وثیق بین حقوق بشردوستانه حاکم بر مخاصمات داخلی و حقوق بشر وجود دارد زیرا در هر دو مورد، هدفی به غایت مشابه وجود دارد که همانا واداشتن دولت به رعایت شأن و مرتبت انسانی انسان‌هاست. زیرا آنچه که غیر انسانی است و در نتیجه انجام آن در مخاصمات بین‌المللی ممنوع می‌شود ممکن نیست در مخاصمات داخلی، عملی انسانی و پذیرفتنی به حساب آید (دلخوش، ۱۳۸۷: ۹۸۸). در خصوص اقدامات شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد مخاصمات غیر بین‌المللی با توجه به اختیارات اعطا شده به این شورا در ماده ۳۹ منشور ملل متحد که بر اساس آن مسئولیت اولیه احراز تهدید صلح بین‌المللی بر عهده این شورا است، از آغاز دهه ۹۰، شورای امنیت با قرائتی جدید از فصل هفتم منشور و تفسیری موسع از مفهوم تهدید صلح بین‌المللی، نه فقط جنگ را بلکه عوامل دیگری را نیز که جنبه نظامی ندارند، تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند و لذا نقش شورا در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی و آثار آن نیز مطرح شد و مخاصمات غیر بین‌المللی نیز تهدیدکننده صلح بین‌المللی محسوب گردید. براساس این منطق، شورای امنیت در مقام اجرای فصل هفتم منشور، قطعنامه ۸۰۸ مورخ ۱۹۹۳ مبنی بر تشکیل دادگاه بین‌المللی جهت تعقیب اشخاص مسئول نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه در یوگسلاوی سابق از ۱۹۹۱ به بعد را صادر نمود (همان). همچنین با تصویب قطعنامه ۹۵۵ مورخ ۱۹۹۴ دادگاه بین‌المللی کیفری «رواندا» تأسیس گردید و با قطعنامه ۱۳۱۵ سال ۲۰۰۰ دادگاه «سیرائون» تشکیل شد. لازم به ذکر است که با فعالیت‌های این دادگاه‌ها، حقوق بین‌الملل عرفی حاکم بر مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی شناسانده شد. به‌ویژه در رأی مربوط به پرونده تادیچ در سال ۱۹۹۵، علاوه بر روشن شدن قواعد بین‌المللی عرفی ناظر بر حقوق مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، این نکته نیز اثبات شد که نقض این قواعد، مسئولیت کیفری فردی مرتکب را به بار می‌آورد. به همین دلیل، حقوقدانان، اثبات وجود حقوق بشردوستانه عرفی اصیل و موثق قابل اجرا در حقوق مخاصمات غیر بین‌المللی را مرهون رأی ۱۹۵۵ دادگاه یوگسلاوی می‌دانند (دلخوش، ۱۳۸۷: ۹۹۱). با این توضیحات اکنون اصول مهم حقوق

۱. منظور از این درگیری‌ها، جنگ‌هایی است که در آن ارتش منظم (حداقل) دو دولت با یکدیگر وارد جنگ شوند.

۲. منظور از درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی جنگ‌هایی است که در یک طرف آن نیروهای مسلح مخالف دولت و در طرف دیگر نیروهای مسلح دولتی قرار دارند.

بشر دوستانه، مانند اصل تفکیک، اصل محدودیت و... را مروری کوتاه خواهیم داشت و سپس این اصول را در آرا و اندیشه‌های امام(ره) ارزیابی خواهیم نمود.

اصل تفکیک^۱ در حقوق بشردوستانه

هدف اصلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه این است که طرفین مخاصمه را ملزم نماید تا بین نظامیان و غیر نظامیان تفکیک قائل شود. چنین هدفی مورد قبول همه نظام‌های حقوقی می‌باشد. و حقوق بشردوستانه موقعی به این هدف خود نائل می‌شود که در عمل نیز مورد توجه طرف‌های مخاصمه قرار گیرد. بنابراین اصل تفکیک مفهومی جز تمایز ندارد؛ تمایز میان اهداف نظامی و اهداف غیرنظامی^۲. در جنگ‌های قرون وسطایی که جنگ را ارتباطی بین تمام ساکنان کشورهای درگیر در مخاصمه تلقی می‌شد تمام ساکنان کشور دشمن را در برابر جنگ، مشابه و مشمول رفتار واحد و یکسان می‌دانستند. اما با پیدایش فلسفه اساسی تکوین اصل تفکیک نظامیان از غیرنظامیان تأکید و تلاش شد آثار مخرب هر منازعه مسلحانه به خصوص درباره غیرنظامیان به حداقل ممکن کاهش یابد (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۳۶). اصل ایجاد تفکیک بین افراد غیرنظامی و رزمندگان نخستین بار در اعلامیه سن پترزبورگ سال ۱۸۶۸ وضع شد و این اصل اظهار می‌دارد که «تنها هدف قانونی که دولت‌ها حین جنگ باید تلاش کنند بدان دست یابند آن است که قوای نظامی دشمن را تضعیف کنند». اصل تفکیک در مواد ۴۸ و ۵۱ و ۵۲ از پروتکل اول الحاقی سال ۱۹۷۷ تدوین گردیده و اعمال هیچ گونه حق شرطی در مورد آنها پذیرفته نشده است (عزیزی، ۱۳۹۲: ۸۹-۸۸). در ماده ۴۸ صریحاً ضرورت تفکیک و تمایز بین اهداف نظامی و غیرنظامی و نظامیان از غیرنظامیان و رعایت احترام و حمایت از افراد غیرنظامی مورد تأکید قرار گرفته است. این قاعده قبلاً در قطعنامه موسسه حقوق بین‌المللی مورخ ۹ سپتامبر ۱۹۶۹ و در قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد شماره ۲۶۷۵، مورخ ۹ سپتامبر ۱۹۷۰ به‌عنوان یک عرف بیان شده بود. مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در بیست و پنجمین اجلاس خود در ۹ سپتامبر ۱۹۷۰، قطعنامه شماره ۱۳۷۵ خود درباره اصول اساسی حمایت از جمعیت غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه تصویب کرد (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۴۹). به موجب بند ۶ ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ «حمله به سکنه غیرنظامی یا غیرنظامیان به‌عنوان اقدام تلافی جویانه ممنوع است». حتی اصل ضرورت نظامی نیز چنین اقدامی را توجیه نمی‌کند. اما سابق بر این، در مقررات بین‌المللی و رویه دولت‌ها، موارد فراوانی از موارد دست‌یازی دولت‌ها به اقدامات تلافی جویانه دیده می‌شود (عزیزی، ۱۳۹۲: ۹۲).

1. The Principal of Distinction

۲. ر.ک.به. <http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=32967> دسترسی در ۹۴/۷/۲۳

اصل محدودیت در حقوق بشردوستانه

پروتکل مورخ ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ ژنو مهم‌ترین سند بین‌المللی در زمینه منع استعمال سلاح‌های شیمیایی و حتی میکروبی است که از سال ۱۹۲۸ اجرا شد. مفاد این پروتکل که در واقع یک معاهده بین‌المللی مستقل است، تقریباً همان مقررات ۱۹۲۲ واشنگتن است. در این پروتکل که بیش از ۱۴۰ کشور جهان آن را امضا کرده‌اند، به کارگیری سلاح‌های شیمیایی در جنگ‌ها، بدون قیدوشرط ممنوع شده است. مضمون این پروتکل ممنوعیت مطلق کاربرد سلاح‌های شیمیایی و توسل به این سلاح مرگ‌زا را تحت هر شرایطی در بر می‌گیرد؛ اما واقعیت این است که کشورها پس از جنگ جهانی دوم بارها این پروتکل را نقض کرده‌اند (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۱۴۵-۱۴۴). کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های مربوط به ممنوعیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی به گونه‌ای عبارت پردازای شده است که خود، بر عرفی بودن چنین ممنوعیتی دلالت دارد.

قطعه‌نامه ۵ سپتامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل تأیید کرد که پروتکل ژنو ۱۹۲۵ مشتمل بر ممنوعیت عامی است که تمامی کشورها را صرف نظر از عضویت یا الحاقشان به آن معاهده ملزم می‌کند. ممنوع کردن کاربرد سلاح‌هایی که در جنگ جراحت‌های شدیدی ایجاد می‌کنند، از اواخر قرن نوزدهم به عرصه حقوق بین‌الملل قراردادی راه یافت (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۱۴۷). در ماده ۲۲ مقررات لاهه ۱۹۰۷-۱۸۹۹ و تقریباً به صورت مشابه در بند یک ماده ۳۵ پروتکل الحاقی سال ۱۹۷۷ منضم به کنوانسیون‌های چهارگانه اوت ۱۹۴۹ ژنو آمده است که در هر مخاصمه مسلحانه‌ای حق طرف‌ها در انتخاب روش‌ها و یا وسایل جنگ نامحدود نیست (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۲۰۱-۲۰۰).

اصل رفتار انسانی و عدم تبعیض در حقوق بشردوستانه (اسرای جنگی)

قوانین حاکم بر رفتار اسیران جنگی یکی از جنبه‌های بارز حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است که نسبت به دیگر مقررات مربوط به مخاصمات، قدرت اجرایی بیشتری دارد و در مقررات کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به آن پرداخته شده است. طبق این مقررات، در زمان جنگ، سربازان زخمی و اسیران جنگی باید تحت حمایت قرار گیرند و طرف‌های درگیر جنگ حق بدرفتاری با آنها را ندارند (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۹۴). در دوران باستان و قرون وسطی، اسیرجنگی معنی و مفهوم امروزی را نداشت. اسیران جنگی و یا به‌طور کلی شکست خوردگان در جنگ، محکوم به قتل یا بردگی بودند. آنان از لحاظ جانی و مالی در اختیار شخص اسیرکننده و یا مقامات نظامی کشور اسیرکننده محسوب می‌شدند و آنها می‌توانستند به هر نحو که مایل بودند با آنان رفتار نمایند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۶۶: ۱۶۰). اما تاریخ اسلام مملو از جریان‌ها و رویدادهایی است که بیانگر نحوه رفتار پسندیده انسانی اسلام در قبال جنگجویان دشمن است که به اسارت نیروهای اسلام در می‌آیند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۶۶: ۱۶۱-۱۶۰). حقوق حاکم بر رفتار با اسیران جنگی تا قبل از اعلامیه ۱۸۷۴ بروکسل و عهدنامه‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه عمدتاً مبتنی بر عرف بود؛ اما امروزه عهدنامه‌های بین‌المللی در این مورد نقشی اساسی دارند که

مهم‌ترین آنها را می‌توان عهدنامه سوم ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ دانست. طبق مقررات مذکور اصولاً برخورداری از وضعیت اسیران جنگی، از لحظه اسارت تا پایان آن است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۶۶: ۱۸۰) عهدنامه سوم ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ در مورد رفتار با اسیران جنگی می‌باشد. این عهدنامه ضمن تأیید مقررات ۱۹۰۷ لاهه و عهدنامه ۱۹۲۹ ژنو، آنها را مورد تجدیدنظر قرار داده و تکمیل نمود (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۱۰۴). همچنین مواد ۱۲ و ۱۴ قرارداد نخست، مواد ۱۲ و ۱۶ قرارداد دوم ژنو و ماده ۴۴ پروتکل نخست منضم به کنوانسیون‌های ژنو چنین مقرر کرده‌اند: «دولت‌های متحارب در صورت به اسارت گرفتن مجروحان، بیماران و... نیروهای مسلح دشمن باید از آنها مانند مجروحان خود مراقبت کنند» (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۱۰۵). اسارت یکی از نتایج اجتناب ناپذیر جنگ است و هدف از اسیرکردن افراد رزمنده، جلوگیری از مشارکت مجدد آنها در جنگ می‌باشد. لیکن مقررات بین‌المللی کنترل اسیران جنگی را طبق میل دولت بازداشت کننده، جایز نمی‌شمرد. از بین مسئولیت‌هایی که دولت بازداشت کننده در قبال اسیران جنگی دارد، رفتار انسانی با آنان مهم‌ترین مسئولیت است.

جایگاه حقوق بشر دوستانه در اسلام

مکاتب مختلف با توجه به دیدگاهی که در رابطه با انسان دارند، دیدگاه آنان جنگ نیز متفاوت است جنگ و چگونه جنگیدن در اسلام و در متون اسلامی و تعالیم معصومین (ع) مورد توجه قرار گرفته است. از آنجا که اسلام دینی اجتماعی بوده و غایت آن، تشکیل جامعه و اصلاح جهان است نمی‌تواند قانون جهاد، نداشته باشد (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۳). در اسلام، انسان، اساس روابط است و مرزهای جغرافیایی، رنگ و نژاد و عوامل عَرَضی دیگر اعتباری ندارد. بنابراین، جنگ، در اسلام، اصل نیست، اما در مقاطعی گذرا، اجتناب‌ناپذیر است. در قرآن کریم آیات فراوانی درباره‌ی جهاد در راه خدا آمده است علامه طباطبایی این آیات را به اعتبار دشمنانی که باید با آنها جنگید به آیات جنگ با مشرکان مکه، آیات جنگ با اهل کتاب آیات جنگ با همه مشرکان و آیات جنگ با همه کافران تقسیم کرده است^۱. جنگ در اسلام نوعی استراتژی نظامی دفاعی است و حرکتی تجاوزکارانه نیست و موازین آن به‌گونه‌ایست که آن را مشروط به شرایط ویژه‌ای می‌کند که ثابت می‌شود؛ بینش اسلامی، جنگ را اساس روابط بین‌الملل نمی‌داند (نقیب‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۶۰). جنگ‌هایی که ریشه در نژادپرستی و تعصبات خشک جاهلانه دارد؛ از نظر اسلام مردود است. جنگ برای اهداف اسلام و به رهبری پیشوای اسلامی - که مشروعیت اسلامی و مقبولیت مردمی داشته باشد - هرگز در راه امیال جاه‌طلبانه و قدرت فردی و کشورگشایی نخواهد بود. امیرالمؤمنین علی (ع) در فرازهای متعددی از «نهج البلاغه» به آداب و احکام چگونه جنگیدن اشاره داشته و سپاهان اسلام را به احترام و رعایت این آداب سفارش و ترغیب کرده‌اند. ایشان در یکی از نامه‌های «نهج البلاغه» در این خصوص چنین می‌فرمایند: «با دشمن جنگ را آغاز نکنید تا آنها شروع کنند. اگر به اذن

۱. ر.ک. به تفسیر المیزان جلد دوم نسخه الکترونیکی

خدا شکست خوردند و گریختند، آن کس را که پشت می‌کند، نکشید و افراد بی‌دفاع را آسیب نرسانید و مجروحان را به قتل نرسانید؛ زنان را با آزار دادن تحریک نکنید، هرچند آبروی شما را بریزند، یا امیران شما را دشنام دهند» (نهج البلاغه، ۱۳۴۸: ۵۲۳). در باب عدم جواز کشتار آن دسته از نظامیان دشمن، که با اجبار و اکراه به صحنه کارزار کشانده شده‌اند، نیز احادیث و اخبار متواتری از جنگ‌های صدراسلام نقل شده است؛ براساس یکی از احادیث در جنگ بدر پیامبر اسلام(ص) افراد سپاه خود را از کشتن «حارث بن عامر بن نوفل» نهی فرموده بود؛ زیرا که او را از کسانی می‌دانست که مجبورش ساخته بودند که به جنگ بیاید (واقفی، ۱۶۳۱: ۶). عدم جواز محاصره اقتصاد شهرها از دیگر موارد مهم در تاریخ جنگ‌های صدر اسلام است؛ دستور پیامبر(ص) به لغو حصر اقتصادی مکه و ارسال آذوقه به مردم این شهر، که قبل از فتح مکه به دست سپاهیان اسلام رخ داد، از مصادیق این اصل است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۵۶: ۱۷۱). امیرالمؤمنین علی(ع) سپاهان اسلام را به احترام و رعایت این آداب سفارش و ترغیب کرده‌اند و در این زمینه می‌فرماید: خدایا تو می‌دانی که جنگ ما برای سلطه‌جویی و دنیاطلبی نبود، بلکه می‌خواستیم تا شعائر از میان رفته‌ی دین تو را بازگردانیم و اصلاح امور را در دیار و بلاد آشکارسازیم تا بندگان مظلوم امنیت یابند و احکام و حدود تعطیل شده‌ات تجدید شده و برپا گردد (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۲۹). امام علی(ع) جنگ را تا آنجا لازم می‌دانست که حق مظلوم گرفته شود و متجاوز سر جای خود بنشیند و شعائر اسلام آشکار گردد، بدون اینکه به بی‌گناهی آسیبی برسد یا حتی دشمن متجاوز، کیفری غیرانسانی و غیر عادلانه ببیند. ایشان پیش از آنکه جنگ صفین برپا شود، لشکریانش را این‌گونه سفارش می‌کند: چون به اذن خدا دشمن شکست خورد، پشت کننده را نکشید، مکشوف‌العوره را نزنید، زخم خورده را نکشید و زنان را با آزار خود تحریک نکنید. اگرچه آبروی شما را بریزند و امیران شما را دشنام دهند (نهج‌البلاغه، نامه ۱۴). پیروان واقعی اسلام و معصومین(ع) همین روش را در قدامت خود به کار برده‌اند. نمونه آن در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است. توصیه امام(ره) در مباحث دفاعی این بود که اصلاً تعرضی به مردم مظلوم عراق نشود.

حقوق بشردوستانه در اندیشه امام خمینی(ره)

موضع امام(ره) نسبت به جنگ و چگونه جنگیدن از متون اسلامی و تعالیم معصومین گرفته شده است. در اندیشه‌های امام خمینی رحمة الله دین و اخلاق از جایگاه ممتازی برخوردار است. اندیشه‌های ایشان که برگرفته از مبانی دینی و اسلام است، اهمیت بسیاری را به حقوق بشردوستانه در زمان جنگ داده‌اند، به گونه‌ای که در زمان جنگ عراق علیه ایران، تبلور عینی و عملی یافت. امام، نیروهای ایرانی را از حمله به مناطق و مکان‌های غیرنظامی نهی می‌کردند؛ رهنمودهای اساسی ایشان به رزمندگان و مدافعین کشور در عدم استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی، برخورد انسانی با اسرای عراقی پرهیز از حملات هوایی به محدوده‌های غیرنظامی و اماکن دارای مصونیت در جنگ، نمونه‌های برجسته‌ای از مراعات حقوق حتی در شرایط جنگی نابرابر و روابط خصمانه است. حتی شرایط سخت جنگ و خشونت‌های دشمن در بمباران

مناطق مسکونی و... باعث ایجاد تغییر در عقیده ایشان در این باره نشد. از نظر ایشان هیچ کدام از حقوق و آزادی‌های انسانی نمی‌تواند با موازین شرعی مغایرت داشته باشد، حدود تمام این حقوق و آزادی‌ها مقررات شریعت اسلام است (کاوسی، ۱۳۷۸: ۱۳۸). نیز در شیوه تفکر حضرت امام رحمة الله ارزش‌های اخلاقی و تربیتی یکی از مفاهیم بنیادی است، که در استخوان‌بندی نظام حقوق بشر از دیدگاه ایشان، بایستی به کارکرد مهم آن توجه داشت. در منظومه فکری حضرت امام رحمة الله، تربیت فصل مشترک اخلاق و حقوق است، چه آنکه اساساً «در اسلام همه امور مقدمه انسان‌سازی است» (کاوسی، ۱۳۷۸: ۱۳۸). تربیت یا تهذیب نفس از عقاید بنیانی حضرت امام است، این عنصر در قاموس اجتماعی آن حضرت از چنان معنا و مفهوم ویژه‌ای برخوردار است که بایستی آن را محور دیگر امور قرار داد و برایش گستره بسیار وسیعی قائل شد. در حوزه‌های مختلف حقوق بشر که آن حضرت نسبت به آنها اظهار نظر داشته است، جای پای یک نظرگاه اخلاقی استحکام یافته است. با این مقدمه در ادامه بحث، به تطبیق اصول حقوق بشر دوستانه با مواضع امام در این مورد می‌پردازیم.

۱- اصل تفکیک در اندیشه امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره) در قسمتی از بیاناتشان به مناسبت وقوع جنگ تحمیلی در جمع گروهی از مردم مرزنشین کشور به تفاوت قوای مسلح ایران با عراق اشاره داشته‌اند که از این سخنان ایشان می‌توان اصل تفکیک را استنباط نمود: «عمده حرف این است که فرق است مابین قوای مسلح ایران با قوای مسلح عراق، فرق است مابین فرماندهان قوای مسلح ایران با فرماندهان قوای مسلح عراق و آن این است که اینها به اسلام فکر می‌کنند و روی قواعد اسلام می‌خواهند عمل کنند و به مردم بازار و به مردم و فقرای جاهای دیگر کاری ندارند... ما دستمان بسته است از این جهت که نمی‌خواهیم مردم عادی و بی‌گناه تلف بشوند... ما باید روی قواعد اسلامی عمل بکنیم... و آنها خیال کردند قدرتی در کار نیست. حالا فهمیدند آنها که نه، قدرت هست، لکن قدرتمندان اینجا روی یک قواعد عمل می‌کنند... (صحیفه امام، ج ۱۳، ۱۳۷۹: ۲۴۸). در سخنرانی تقدیر از پیروزی‌های رزمندگان در تاریخ ۶۲/۸/۱ در رابطه با سیاست عدم حمله به مناطق غیرنظامی افزودند: «و ما در عین حالی که الان بسیاری از شهرهای آنجا زیر نظر ما هست و رزمندگان ما می‌توانند آنها را بمباران کنند، ابداً همچون کاری نکردند، و نباید هم بکنند، برای اینکه مردم شهرها گناهی ندارند. ما در جنگ باید صدمات را به او وارد بکنیم و او را معدوم بکنیم...» (همان، ج ۱۸، ۱۳۷۹: ۱۹۳). با آنکه دشمن در طول جنگ از گلوله باران، بمباران و موشک باران مناطق مسکونی و مردم بی‌دفاع دریغ نمی‌کرد، اما با تأکید بر رعایت احکام اسلامی در جنگ و مصون ماندن مردم عادی و غیرنظامی عراق از خطر جنگ فرمود: «و اگر نبود خوف اینکه ملت شریف عراق صدمه ببیند، اگر ما هم و ارتش ما هم و ملت ما هم مثل صدام فکر می‌کرد که باید پیش بُرد ولو به کشتن ملت‌ها...، اگر یک همچو برنامه‌ای بود، امروز می‌دیدیم که عراق دیگر کسانی را که بتوانند کاری انجام بدهند، ندارند...» (صحیفه امام، ج ۱۴، ۱۳۷۹: ۲۷۹) امام خمینی(ره) در این باره می‌فرمودند: «شما مواجه هستید با

جمعیت‌هایی که به بیمارستان و مدارس هم رحم نمی‌کنند» (تبیان^۱ دفتر ۲۵، ۱۳۸۶: ۵۰۴). همچنین در سخنرانی‌ای به تاریخ ۶۲/۸/۱۵ به مناسبت بمباران شهرهای مسجدسلیمان، اندیشمک، بهبهان، در توصیه‌های مؤکد خویش در رابطه با عدم حمله به مناطق غیرنظامی و استفاده به جا از قدرت بار دیگر یادآور شدند: من به آن قدرتمندانی که در جبهه‌ها ایستاده‌اند و الان مستأصل کرده‌اند صدام و صدامی‌ها را عرض می‌کنم که مبدا این قدرت اسباب این بشود که یک انتقامی برخلاف موازین الهی گرفته بشود. شما تاکنون بنایتان بر همین بوده است و ان شاءالله از حالا به بعد هم باشد که شهرهای عراق را که ما آنها را عزیز می‌دانیم مثل شهرهای خودمان و بعضی‌شان را بسیار بالاتر، باید توجه کنید اهالی آن شهرها به همان طور که اهالی شهرهای ما مبتلای به شرّ صدام است، آنها، بیشتر مبتلا هستند...» (صحیفه امام، ج ۱۸، ۱۳۷۹: ۲۱۱) علاوه بر اصل تفکیک، وجود و اشاره به اصل رفتار انسانی و عدم تبعیض هم در این مورد از فرمایشات ایشان به چشم می‌خورد. در پی گسترش حملات عراق به منطق مسکونی، انتظار اقدام مقابله به مثل در افکار عمومی بالا گرفت. از این رو در چهارم آبان ۱۳۶۲ جلسه ای با شرکت سران سه قوه در حضور امام تشکیل و درباره حملات عراق به مناطق مسکونی و نحوه واکنش به آن بحث شد. امام خمینی(ره) در این جلسه دست یازیدن به اقدام مقابله به مثل و مورد حمله قراردادن مناطق مسکونی عراق را نپذیرفته و فرمودند: «این اقدام اشکال شرعی و سیاسی دارد». البته در اواخر سال ۱۳۶۶ و اوایل سال ۱۳۶۷ که «جنگ شهرها» بالا گرفت و موشک‌های صدام حتی شهرهایی چون تهران و قم را نیز مورد هدف قرار داد، مسئولان جمهوری اسلامی تصمیم گرفتند که برای دفع شرارت‌های روز افزون رژیم بعث، اقدامات متقابلی را انجام دهند که مورد موافقت امام قرار گرفت، اما امام به فرماندهان نظامی می‌گفتند جایی وارد نشوید که مردم عراق از خانه‌های خود آواره شوند و اگر می‌خواهید مقابله به مثل کنید، ۴۸ ساعت قبل بگویید و اعلام کنید تا مردم بتوانند، خود را نجات دهند^۲. در پی این اقدام، (مقابله به مثل محدود و با اعلام قبلی) برخی از کشورهای عربی و منطقه‌ای به ایران اعتراض کردند؛ امام در پاسخ فرمودند که حمله به مناطق غیرنظامی هیچ‌گاه جزو اهداف نبوده و خواهان آسیب دیدگی آنها نمی‌باشیم و این اقدام در پی فشاری است که رژیم بعث در پی چهارسال حملات موشکی به ایران وارد آورده و هر لحظه که حملات عراق به این مناطق پایان یابد، ما نیز پایان خواهیم داد. این سخنان بیانگر این مطلب است که این اقدام مقابله به مثل ایران نیز با توجه به اصل ضرورت نظامی در حقوق بشردوستانه بین‌المللی، برای محدودیت و یا کاستن حملات عراق می‌باشد و از نظر ایشان حوزه دفاع تا جایی پیش برده می‌شود که دشمن توانایی آسیب وارد آوردن به ایران را نداشته باشد. ایشان این اقدام را نوعی دفاع در تعقیب دشمن متجاوز محسوب می‌کردند در همین رابطه امام در دیدار با مردم خراسان در تاریخ

۱. تبیان مجموعه آثاری است که در هر مجلد از آن مواضع و رهنمودهای حضرت امام خمینی(س) درباره‌ی موضوع خاص، گردآوری و منتشر شده است.

۲. آیت الله هاشمی رفسنجانی در دیدار با فعالان سیاسی استان البرز، قابل دسترسی در پایگاه اطلاع رسانی آیت الله هاشمی

۶۱/۵/۳ می‌فرماید امروز که ما باز برای دفاع از کشور خودمان و دفاع از ملت مظلوم خودمان وارد شدیم در عراق، برای اینکه نگذاریم هر روز آبادان و اهواز و آنجاها مورد حمله آنها واقع بشود ... این یک دفاعی است که ما می‌کنیم ... اسلام به ما اجازه نمی‌دهد که یک کشور مسلمی را ما تحت سلطه قرار بدهیم و ما نخواهیم هیچ وقت، توجه به این نخواهیم پیدا کرد (صحیفه نور، جلد ۱۶: ۲۳۴ - ۲۳۳).

۲- اصل رفتار انسانی و عدم تبعیض در اندیشه امام خمینی(ره)

مطالعه و بررسی خاطرات و سرگذشت به جا مانده از اسرای عراقی که امام خمینی(ره) آنان را مهمان قلمداد می‌کردند و اسرای ایرانی در بند رژیم عراق که مقام معظم رهبری آنان را آزادگان سرافراز نام نهاند، تفاوت‌ها و واقعیت‌های مطرح در دو حوزه فکری مسئولان جمهوری اسلامی ایران و سردمداران رژیم بعث عراق را به وضوح نشان می‌دهد. امام خمینی(ره) همواره مسئولین و افرادی که وظیفه نگهداری و نگهداری از اسرا (عراقی) را بر عهده داشتند به دلایلی چون تسلیم شدن، نداشتن سلاح، فریب خوردگی و ... به مدارا و رعایت اسلامی- انسانی با آنان توصیه می‌کردند که در ذیل به مواردی از این توصیه‌ها اشاره می‌شود: «اینجانب در حالی که به حسب اخبار موثق می‌دانم ملت و قوای مسلح ما با آوارگان به طور اسلامی و انسانی رفتار می‌کنند، از همه آنان می‌خواهم که با اسرا خصوصاً مجروحین و مصدومین آنان هر چه بیشتر محبت و خدمت کنند» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۲۵۷) ارتش ما و پاسدارهای ما با این اسرایی که آوردند، به طور انسانیت عمل می‌کنند و باید بیشتر عمل کنند. من سفارش می‌کنم تمام کسانی را که این اسرا در اسارت آنها هستند، به حسن سلوک و به رفتار انسانی، و مهمان‌اند اینها برای شما. و البته الان در دست آنها اسلحه نیست و من اعلام می‌کنم که هرکس از افراد ملت ما اسلحه را کنار بگذارد و بیاید در ملت ما وارد بشود مثل سایر افرادی که هستند، آنها در پناه اسلام محفوظ هستند (صحیفه نور، ج ۱۳: ۵۱۱). الان این اشخاصی که اسیر مملکت اسلامی هستند اینها اسلحه ندارند و اینها باید به طور انسانی، به طور خوب با آنها رفتار بشود که می‌شود (صحیفه نور، ج ۱۳: ۵۱۱). نظر رئوفانه امام فقط به اسرای عراقی نبود حتی زندانیان گروهک‌های منحرف را نیز شامل می‌شد. امام در این باره می‌فرماید: چه گروه‌هایی که برضد جمهوری اسلامی قیام مسلحانه نموده و مردم بی‌گناه کوچه و بازار را به خاک کشیده‌اند و چه کسانی که با فروش و توزیع مواد مخدره فرزندان کشور را به فساد کشانده‌اند و چه سایر گناهکاران اینها اکنون اسیران شما هستند و به دست خود به اسارت کشیده شده‌اند با اسرای خود چه اینان و چه اسرای جنگی رؤوف و مهربان باشید و برادرانه رفتار کنید و زندان‌ها را به یک مدرسه آموزش و تربیت اخلاق مبدل کنید. چنانچه تاکنون عمل کرده‌اید تا منحرفان و گناهکاران شیرینی عدالت اسلامی را بچشند و به اسلام و نظام اسلامی رو آوردند و از روی حقیقت توبه کنند و بازگشت به اسلام و خدای متعال نمایند (صحیفه نور، ج ۱۸: ۳۴۳). امام در مواردی که تعداد بسیار زیادی از نیروهای دشمن به اسارت در آمدند، خطاب به نیروهای مسلح فرمود افرادی که از دشمنی که به عنوان اسیر در اختیار شما قرار می‌گیرند هرگز مورد خشونت و آزار قرار ندهید که سنت اسلامی است به اسیران محبت مهربانی کنید

(صحیفه نور، ج ۶: ۱۲۶). برداران از اسرای جنگ که در دست شمایند هر چند گناهکار دلجویی کنید و با آنان رفتار اسلامی انسانی داشته باشید (صحیفه نور، ج ۱۶: ۲۶۸). (آسیب دیدگان عراقی را به اسرع وقت به بیمارستان‌ها بفرستید تا تحت معالجه قرار بگیرند و دکترها و پرستارهای بیمارستان‌ها که کوشش‌های ارزنده آنان چه در جبهه‌ها و چه بیمارستان‌ها بر مردم شریف ما پوشیده نیست و باعث تشکر بسیار است. با آنان چون نزدیکان و برادران خود رفتار نمائید و تلخی آسیب و اسارت را با رفتار اسلامی خود از ذائقه آنان کاهش دهند (صحیفه نور، ج ۱۶: ۲۶۸). امام در توصیه‌های خود در رابطه با نگهداری از اسرا به این موضوع نیز تأکید و توصیه داشته‌اند که مبدا شهادت رزمندگان ایران و جنایت‌های شخص صدام و حزب بعث موجب این شود که مسئولین در ایران نیز رفتاری خلاف موازین اسلامی- انسانی و انتقام جویانه از اسیران عراقی داشته باشند: «ما در این جنگی که آنها هجوم آوردند و تحمیل به ما کردند، اسرای بسیار از آنها داریم، پناهندگان بسیار از آنها داریم؛ لکن با اسرا عمل کردیم که هیچ کس با اسرای خویش آن عمل را نمی‌کند. ما مثل برادرهای خودمان با آنها عمل کرده‌ایم. در صورتی که اسرایی که از ما آنها گرفتند تحت شکنجه هستند...» (صحیفه نور، جلد ۱۴: ۶۸). امام در پاسخ به سؤالاتی از این قبیل که آیا می‌توان اموال اسرا را از آنها گرفت، فرموده‌اند که اموال اسرا مربوط به خود ایشان می‌باشد و فقط باید ادوات جنگی را از آنان گرفت. ایشان اهانت به اسرا را جایز ندانسته و تأکید کرده‌اند که باید نسبت به آنها اخلاق اسلامی را رعایت کرد و با اسرا پس از تسلط یافتن باید با اخلاق اسلامی رفتار کرد.

۳- اصل محدودیت در اندیشه امام خمینی(ره)

مهم‌ترین حملات شیمیایی به مناطق غیرنظامی پس از جنگ جهانی اول، در سال ۱۳۶۶ به دست عراقی‌ها انجام شد. حملات سنگین ارتش عراق هم در شهرهای ایران و هم در خاک عراق علیه اهداف غیرنظامی بارها انجام شد. مهم‌ترین دلیل عدم استفاده ایران از سلاح شیمیایی در طول جنگ ناتوانی آن در ساخت این سلاح نبود، بلکه امام خمینی(ره) به‌عنوان ولی فقیه استفاده از این سلاح‌ها را ممنوع کرده بود. پس از آنکه نیروهای عراقی شروع به استفاده از سلاح‌های شیمیایی کردند، مقامات نظامی ایران گزینه تلافی به استفاده از این سلاح‌ها را مطرح کردند اما امام این گونه سلاح‌ها را مغایر با آموزه‌های دینی شناخته و کاربرد آنها را ممنوع اعلام کردند.

امام به‌واسطه مطرح شدن خطرات جدید ناشی از حملات گازهای شیمیایی عراق علیه غیرنظامیان نظر خود را تغییر ندادند. ایشان به فرمانده سپاه پاسداران اعلام کردند: «مهم نیست که این تسلیحات در میدان جنگ استفاده شود یا در شهرها، ما با آن مخالفیم. تولید چنین تسلیحاتی حرام است. شما تنها اجازه دارید تجهیزات حفاظتی تولید کنید» همچنین در خصوص استفاده عراق از سلاح‌های مرگبار علیه ایران عنوان نمودند: «بدون هیچ سابقه و بدون هیچ دلیلی با پایمال کردن تمام مواضع بین المللی، صدام اقدام به هجوم به ایران کرد، آن هم با اسلحه‌هایی که تاکنون اسرائیل استفاده نکرده است و ایشان استفاده کرده است و بسیاری از پیرمردها و جوان‌ها و کودکان ما را کشته و بسیاری از مخازن ما را خراب کرده است...» (صحیفه نور، ج ۱۳، ۱۳۸۹: ۲۸۲). ایشان در خصوص حملات شیمیایی رژیم عراق و سکوت مجامع

بین‌المللی در این باره اظهار داشتند: «... دشمن در بمباران شیمیایی مناطق مسکونی نهایت قساوت و در زندگی خود را نشان داده است و با حمله شیمیایی به مردم بی دفاع عراق حتی پایه‌های حمایت حامیان خود را نیز سست نموده است...» (همان، ج ۲۱، ۱۳۷۹: ۱۲). «شما می‌بینید که در حالی که صدام آن کار را کرد، آن جرم را مرتکب شد، ما را محکوم کردند به جای اینکه بنشینند با هم و بگویند کسی که روی مسلمین، روی ملت عرب، روی ملت غیرعرب، روی فارس، روی همه چیزهای شیمیایی می‌ریزد، بمب‌های شیمیایی می‌ریزد، این محکوم است در دنیا، لکن مجامع دنیا یک کلمه می‌گویند، باز هم می‌گویند باز معلوم نیست که مال آنجا باشد، معلوم نیست که اینها آن باشد و ما را محکوم می‌کنند در مقابلش...» (بنی لوحی، ۱۳۷۸: ۳۲۳).

نتیجه گیری

با مروری اجمالی بر مطالبی پیرامون حقوق بشردوستانه بین‌المللی دریافته می‌شود که این حقوق نتیجه تلاش مشترک نسل‌ها و فرهنگ‌های بسیاری است که بر لزوم برقراری توازن میان اهداف بشردوستانه و اقدامات نظامی قانونمند توافق کرده‌اند. امروزه این اصل کلی پذیرفته شده است که اگر دولت طرف مخاصمه حتی اگر عضو کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو هم نباشد، باید مقررات آن را رعایت کند. با وجود تصویب این قوانین، نداشتن ضمانت اجرایی کافی و حاکمیت قدرت‌های بزرگ در شورای امنیت سازمان ملل که اکثر جنگ‌های بین‌المللی به دست آنها یا با پشتیبانی آنها بروز می‌کند، این قوانین را ناکارآمد کرده و همچنان حقوق بشردوستانه بین‌المللی در جنگ‌ها، به‌ویژه به دست ارتش‌های تجاوزگر تقض می‌شود. این موضوع آشکار است که پدیدآورندگان حقوق بشردوستانه، جملگی از اهداف و انگیزه‌های واحد برای تحقق صلح واقعی و همزیستی مسالمت آمیز برخوردار نبوده‌اند؛ به‌ویژه اینکه امروزه که قدرت‌های بزرگ با استفاده ابزاری از عامل حقوق بشر، علیه ملل مستضعف، ظلم و توطئه‌های پی‌درپی روا می‌دارند. ذکر این نکته ضرورت دارد که دولت‌ها نباید نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه را توسط طرف‌های درگیر در درگیری‌های مسلحانه تشویق کنند بلکه باید از نفوذ خود برای متوقف کردن نقض این حقوق استفاده کنند با این وجود از طرفی چنانچه قوانین اسلام در حوزه جنگ، دفاع و صلح مورد مطالعه و دقت قرار گیرد، بی‌تردید قوانین بهتر و مناسب‌تری در مقایسه با قوانین فعلی حقوق بشردوستانه می‌توان جایگزین کرد. امروزه کارشناسان بر این عقیده‌اند که حقوق بشردوستانه مدرن، شباهت‌های بی‌شماری با حقوق برخاسته از منابع اسلامی دارد.

امام خمینی (ره) نیز با الهام از تعالیم قرآن و سیره و سنت ائمه (ع)، در مقام بنیان‌گذار نظام اسلامی و تبیین‌کننده نظری آن، باب تازه‌ای را در عرصه حقوق بین‌الملل باز نمودند مبنی بر روشن نمودن بسیاری از قواعد حقوق بین‌الملل در دین و مذهب. اصول و قواعد عنوان شده از جانب ایشان در عرصه بین‌الملل نیز برگرفته از مبانی دینی و اسلامی ایشان می‌باشد و بسیاری از مسائل دین را در عرصه حقوق بین‌الملل طراحی نمود. دیدگاه‌های امام در مورد جنگ ایران و عراق و مواضع ایران در آن نیز برگرفته از

دیدگاه‌های فقهی ایشان بود و به فرماندهان نظامی خود می‌فرمود: «ما باید روی قواعد اسلامی عمل کنیم»؛ از نظر ایشان پایبندی و تعهد به احکام اسلام در زمینه جنگ و صلح، مهم‌ترین دلیل خودداری نیروهای قدرتمند نظامی از صدمه زدن به مردم عراق بود. در مقابل این دید و نگرش اسلامی و پایبندی به قوانین بین‌الملل، کشورهای قدرتمند سلاح‌های مخرب کشنده و شیمیایی در اختیار رژیم بعث قرار می‌دادند و مجامع بین‌الملل سکوت پیشه می‌کردند؛ زیرا همواره این رویه ابرقدرت‌ها بوده که برای رسیدن به منافع خود دنیایی از انسان‌ها را قربانی کنند. ایشان همان‌گونه که به مبارزه قاطع و برخورد کوبنده نیروهای ایران با رژیم عراق توصیه داشتند، با این حال در هر مسئله و زمان آن، پایبند به موازین اسلامی و بین‌المللی بودند و همین تعهد به حقوق بشردوستانه علی‌رغم اعمال روش‌های غیرانسانی طرف مقابل، نمونه‌ای از نفی افراطی‌گری را در سیره امام نشان می‌دهد. در پایان به این جمع‌بندی می‌رسیم که اسلام دینی است برای تمامی زمان‌ها و اصول و قواعد آن را می‌توان با تمامی شرایط و زمان‌ها تطبیق داد و در نتیجه اندیشه متفکرانی چون امام خمینی(ره)، به‌طور کامل بر موازین اسلامی استوار است. امام (ره) تعدی و تجاوز به خاک کشور دیگر را بر طبق آموزه‌های اسلامی جایز نمی‌شمردند اما این اصل انسانی و بین‌المللی به‌ویژه در زمان معاصر به‌طور کامل نادیده گرفته می‌شود.

منابع

- آن ماری اسلوتر، و ویلیام بروک - وایت (۱۳۸۵)، *آینده حقوق بین‌الملل، حقوق داخلی*، ترجمه: هیبت الله نژندی منش و محمد علی صلح چی، مجله سیاست خارجی، شماره ۸۰.
- ارادت، سعید (۱۳۸۳)، همگرایی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، نشریه اطلاع رسانی حقوقی، شماره ۹.
- البرزی ورکی، مسعود (۱۳۸۹)، *حقوق بشر دوستانه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، مجله حقوق، دوره چهارم، شماره ۱.
- امین زاده، الهام (۱۳۸۱)، *حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی در فلسطین*، مجله مجتمع آموزش عالی قم دوره ۱۲، شماره صفر.
- بنی‌لوحی، سیدعلی (۱۳۷۸)، *مبانی دفاع از دیدگاه امام خمینی در دفاع مقدس با تحلیلی مقایسه‌ای*، چاپ دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- پورمحمدی، نعمت‌الله (۱۳۸۵)، *حقوق بشردوستانه در جنگ ایران و عراق*، مرور رفتار عراق. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.
- جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی، تبیان دفتر ۲۴ (۱۳۷۸)، تدوین، مرندی، مهدی. چاپ اول، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۶)، «ترمینولوژی حقوق» تهران: انتشارات گنج دانش.
- خانی، محمد حسن (۱۳۸۵)، *بررسی تطبیقی مبانی حقوق بشر دوستانه در اسلام و مسیحیت*، مجله دانش سیاسی، شماره ۴.

- خمینی (امام)، روح الله (۱۳۷۹)، صحیفه نور، جلد‌های ۲۱، ۱۸، ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۳، چاپ سوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- دلخوش، علی رضا (۱۳۸۷)، حقوق بشر دوستانه در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی: تفاوت‌ها و اشتراکات، مجله سیاست خارجی، شماره ۸۷: ۹۸۸.
- راعی، مسعود (۱۳۷۹)، حقوق بشر و حقوق اسلامی، تعارض یا تعامل؟ مجله معرفت، شماره ۳۶.
- رضوی فرد، بهزاد (۱۳۸۹)، جنگ ۲۲ روزه غزه در آینه حقوق بین‌الملل کیفری با نگاهی به گزارش گلدستون.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۷۸)، حقوق بشردوستانه بین‌المللی و اشغال سرزمین‌های ایران در جنگ تحمیلی، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۸.
- سلیمی، عبد الحکیم (۱۳۸۲)، نقش اسلام در توسعه حقوق بین‌الملل، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۷۵)، مجموعه مقالات حقوق جنگ، چاپ اول: تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، پژوهشکده علوم دفاعی و استراتژیک.
- صفدری، محمد (۱۳۴۲)، حقوق بین‌الملل عمومی، ج ۱، تهران: انتشارات ابوریحان.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۶)، حقوق جنگ و رفتار با اسیران جنگی، مجله حقوقی، شماره ۸.
- ضیایی بیگدلی، محمد رضا (۱۳۶۵)، اسلام و حقوق بین‌الملل، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ضیائی بیگدلی محمد رضا (۱۳۸۲)، حقوق بشر دوستانه و حقوق بین‌الملل بشر، بررسی تحولات حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، نشر نسیم.
- عزیزی، ستار (۱۳۹۲)، مطالعه تطبیقی قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه در «نهج البلاغه» و «گزارش قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال اول شماره ۱، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.
- کاوسی، محمد رضا (۱۳۷۸)، بنیادی‌ترین حقوق و آزادی‌های بشر از دیدگاه حضرت امام، مجله مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۹ و ۱۰.
- کمیته ملی حقوق بشر دوستانه (۱۳۸۳)، رعایت حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، تهران: سرسیم.
- لوئیس دوسوالد-بک (۱۳۷۹)، اجرای حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در جنگ‌های آینده، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، مجله سیاست دفاعی، شماره ۳۲ و ۳۳.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۳)، حقوق بشر دوستانه، رهیافت اسلامی، تهران: مرکز نشر علوم انسانی (مجموعه کنوانسیون‌های لاهه و برخی اسناد بین‌المللی دیگر)، تهران، سرسم.
- مرنندی، مهدی؛ سلیمانی، داود (۱۳۸۶)، دفاع مقدس (جنگ تحمیلی) در اندیشه امام خمینی (ره)، تبیان دفتر ۲۵. چاپ دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- مروت، مجتبی (۱۳۹۰)، نقش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در حمایت از قربانیان جنگی، فصلنامه پژوهش حقوق. شماره ۱۳.
- مطهری مرتضی (۱۳۷۳)، جهاد، چاپ هفتم، تهران: صدرا.
- مهرپور، حسین (۱۳۸۳)، نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران: اطلاعات، ص ۲۴۶.

- موسی زاده، رضا (۱۳۸۵)، *بایسته‌های حقوق بین‌الملل*، چاپ چهارم، تهران: نشر ایران زمین.
- نقیب زاده، احمد (۱۳۷۳)، *نظریه‌های کلان در روابط بین‌الملل*، تهران: قومس.
- نهج البلاغه (۱۳۴۸)، ترجمه محمد دشتی، منشور وحی، مشهد.
- وارنر، دانی (۱۳۸۲)، *حقوق بشر و حقوق بشردوستانه: کنکاشی برای جهانی سازی*، ترجمه: حبیبی، امین. سلاله تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۱)، *مغازی (تاریخ جنگ‌های پیامبر)*، جلد دوم، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.